بیانات در نخستین اجلاس بیداری اسلامی - 26 /شهریور/ 1390

بسم‌الله الرحمن الرحیم
السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد وآله الطیبین و صحبه المنتجبین قال الله العزیز الحکیم:
بسم‌اللهالرحمن‌الرحیم یا أَیُّهَا النَّبِیُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لا تُطِعِ الْکافِرِینَ وَ الْمُنافِقِینَ إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلِیماً حَکِیماً (۱) وَ اتَّبِعْ ما یُوحی إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ إِنَّ اللَّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیراً (۲) وَ تَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَ کفی بِاللَّهِ وَکِیلاً (۳) [احزاب]
به حضار گرامی و میهمانان عزیز خوشامد میگویم. آنچه ما را در اینجا گرد آورده بیداری اسلامی است یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی‌ئی در امّت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملتهای این منطقه انجامیده و قیامها و انقلابهائی را پدید آورده که هرگز در محاسبه‌ی شیاطین مسلّط منطقه‌ئی و بین‌المللی نمی‌گنجید ؛ خیزشهای عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است.
شک نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفتها و تجربه‌ها است. در صدوپنجاه سال اخیر حضور شخصیتهای فکری و جهادی بزرگ و جریان ساز اسلامی در مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از آسیا و افریقا، پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلامند.
همچنانکه تحولات دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در تعدادی از این کشورها که به رژیمهای غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژیهای مادی منتهی شد و به اقتضای طبیعت خود پس از چندی در دام قدرتهای استکباری و استعماری غرب گرفتار آمد، تجربه‌های درس‌آموزی‌اند که سهم وافری در شکل دادن به اندیشه‌ی عمومی و عمیق کنونی دنیای اسلام دارند.
ماجرای انقلاب کبیر اسلامی در ایران که در آن به تعبیر امام خمینی عظیم، خون بر شمشیر پیروز شد و تشکیل نظام ماندگار و مقتدر و شجاع و پیش‌رونده‌ی جمهوری اسلامی و تأثیر آن در بیداری اسلامی امروز، نیز خود داستان مفصل و در خور بحث و تحقیقی است که یقیناً فصل مشبعی در تحلیل و تاریخ‌نگاری وضعیت کنونی دنیای اسلام را به خود اختصاص خواهد داد.
حاصل آنکه حقایق رو به افزایش کنونی در دنیای اسلام، حوادث بریده از ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی و فکری نیستند تا دشمنان یا سطحی‌نگران بتوانند آن را موجی گذرا و حادثه‌ئی در سطح بیانگارند و با تحلیلهای انحرافی و غرض‌آلود، مشعل امید را در دل ملتها خاموش سازند.
من در این گفتار برادرانه میخواهم بر روی سه نقطه‌ی اساسی درنگ کنم:
۱ ـ نگاهی اجمالی به هویت این قیامها و انقلابها.
۲ ـ خطرات و آسیبهای بزرگی که بر سر راه آن قرار دارد.
۳ ـ پیشنهادهائی در علاج‌جوئی و پیش‌گیری از آسیبها و خطرها.
۱ ـ در موضوع اول، به نظر من مهمترین عنصر در این انقلابها، حضور واقعی و عمومی مردم در میدان عمل و صحنه‌ی مبارزه و جهاد است، نه فقط با دل و خواست و ایمانشان، بلکه علاوه بر آن، با جسم و تنشان. فاصله‌ی عمیقی است میان چنین حضوری با قیامی که به وسیله‌ی یک جمع نظامی یا حتی یک گروه مبارز مسلّح در برابر چشمان بی‌تفاوت مردم یا حتی مورد رضایت آنان انجام میگیرد.
در حوادث دهه‌ی پنجاه و شصت در تعدادی از کشورهای آفریقا، و آسیا، بار سنگین انقلاب را نه قشرهای گوناگون مردم و جوانان از همه جای کشورها، بلکه دستجات کودتاگر یا هسته‌های کوچک و محدود مسلح بر دوش داشتند. آنها تصمیم گرفتند و عمل کردند و آنگاه که خودشان یا نسل پس از آنها بر اثر انگیزه‌ها و عوامل قابل شمارش، راه خود را عوض کردند، انقلابها به ضد خود تبدیل شد و دشمن بار دیگر بر آن کشورها تسلط یافت.
این بکلی متفاوت است با تحوّلی که بر دوش توده‌ی مردم است و آنهایند که جسم و جان خود را به میدان میآورند و

با مجاهدت و فداکاری، دشمن را از صحنه بیرون میرانند.
در اینجا این مردم‌اند که شعارها را می‌سازند، هدفها را معین میکنند، دشمن را شناسائی و معرفی و تعقیب میکنند، آینده‌ی مطلوب را ـ اگر چه به اجمال ـ ترسیم میکنند، و در نتیجه اجازه‌ی انحراف و سازش با دشمن و تغییر مسیر را به خواص سازشکار و آلوده و بطریق اولی به عوامل نفوذی دشمن نمیدهند.
در حرکت مردمی ممکن است کار انقلاب با تأخیر انجام گیرد، ولی از سطحی‌گری و ناپایداری به دور است، کلمه‌ی طیبه‌ئی است مصداق کلام خداوند که فرمود:
أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ (ابراهيم ـ ٢٤).
من وقتی پیکر دلاور ملت پر افتخار مصر را از تلویزیون در میدان تحریر دیدم یقین کردم که این انقلاب پیروز خواهد شد. حقیقتی را بگویم: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی در ایران که زلزله‌ی عظیمی را در حکومتهای دنیاطلبان شرق و غرب پدید آورد و ملتهای مسلمان را در جوش و خروشی بی‌سابقه انداخت، ما غالباً انتظار داشتیم که مصر پیش از همه جا، به پا خیزد. سابقه‌ی جهاد و روشنفکری و تربیت شخصیتهای بزرگ مجاهد و متفکر در مصر، این توقع را در دل ما برمی‌انگیخت. اما از مصر صدای واضحی شنیده نمی‌شد. من در دل، خطاب به ملت مصر این شعر ابوفراس را زمزمه میکردم:
أراکَ عَصِیَّ الدَّمعِ شیمَتُک الصبر ـ أما لِلهوی نهیٌ علیک و لا امرٌ ..؟ وقتی ملت مصر را در میدان تحریر و میادین دیگر شهرهای مصر دیدم، پاسخ خود را شنیدم. ملت مصر با همان زبان دل به من میگفت:
بَلی انّا مُشتاقٌ و عِندِیَ لَوعةٌ ـ ولکنَّ مِثلی لایُذاعُ لهُ سِرٌّ ..
این سرّ مقدس یعنی انگیزه و عزم قیام، به تدریج در ذهنیت ملت مصر قوام یافت و شکل گرفت و در لحظه‌ی مناسب تاریخی، عریان در صحنه‌ئی پرشکوه به میدان آمد.
تونس و یمن و لیبی و بحرین هم دقیقاً محکوم به همین حکم‌اند، و مِنهم مَن یَنتظِر و ما بدّلوا تبدیلاً.
در چنین انقلابهائی، اصول و ارزشها و هدفها، نه در مانیفست‌های پیش‌ساخته‌ی گروهها و حزبها، بلکه در ذهن و دل و خواست آحاد مردم حاضر در صحنه، نگاشته و در قالب شعارها و رفتارهای آنان اعلام و تثبیت میشود.
با این محاسبه به روشنی میتوان تشخیص داد که اصول انقلابهای کنونی منطقه، مصر و دیگر کشورها، در درجه‌ی اوّل اینها است :
ـ احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی که در طول زمان با دیکتاتوری حاکمان فاسد و با سلطه‌ی سیاسی امریکا و غرب، در هم شکسته و پایمال شده است.
ـ برافراشتن پرچم اسلام که عقیده‌ی عمیق و دلبستگی دیرین مردم است و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت و شکوفائی‌ئی که جز در سایه‌ی شریعت اسلامی به دست نخواهد آمد.
ـ ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه‌ی امریکا و اروپا که در طول دو قرن بیشترین لطمه و خسارت و تحقیر را بر مردم این کشورها وارد آورده‌اند.
ـ مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست که استعمار چون خنجری در پهلوی کشورهای منطقه فرو برده و وسیله‌ئی برای ادامه‌ی سلطه‌ی اهریمنی خود ساخته و ملّتی را از سرزمین تاریخی خود بیرون رانده است.
بی‌شک این حقیقت که انقلابهای منطقه متکی به این اصول و خواستار تحقق آنها است، مورد پسند امریکا و غرب و صهیونیسم نیست و آنها همه‌ی تلاش خود را به کار میبرند تا آن را انکار کنند، ولی واقعیت با انکار آن دگرگون نمیشود.
مردمی بودن این انقلابها مهمترین عنصر در تشکیل هویت آنها است. قدرتهای خارجی که با آخرین توانائیها و شگردهای خود سعی میکردند حکام مستبد و فاسد و وابسته را در این کشورها حفظ کنند و تنها هنگامی از حمایت آنها دست برداشتند که قیام و عزم مردم، هیچگونه امیدی برای آنها باقی نگذاشت، حق ندارند خود را در پیروزی این انقلابها سهیم بدانند. در جائی مانند لیبی هم، ورود و دخالت امریکا و ناتو نمیتواند حقیقت را مشوب کند. در لیبی، ناتو ضایعه‌های بی‌جبران آفریده است. اگر دخالت نظامی ناتو و امریکا نبود، ممکن بود مردم اندکی دیرتر پیروز

شوند ولی در عوض این همه زیرساخت نابود نمیشد، این همه نفوس بی‌گناه از زنان و کودکان کشته نمیشدند و آنگاه دشمنانی که خود سالها همراه و همدست قذافی بوه‌اند مدّعی حق دخالت در این کشور مظلوم و جنگ‌زده، نمیشدند.

مردم و نخبگان مردمی و کسانی که از مردم بر آمده‌اند، خود صاحبان این انقلابها و متعهّد به حراست از آن و ترسیم‌کننده‌ی مسیر آینده و رو به تکامل آن میباشند و خواهند بود انشاءالله.

۲ ـ در موضوع آسیب ها و خطرها .. نخست باید تأکید کنم که خطر هست ولی راه مصونیت از آن نیز هست. توجه به خطر نباید ملتها را بترساند. بگذارید دشمنانتان از شما بترسند و بدانید که : انّ کید الشیطان کان ضعیفا. خداوند درباره‌ی گروهی از مجاهدان صدر اسلام میفرماید: الَّذِينَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

خطرها را باید شناخت تا در مواجهه با آن حیرت و تردید پیش نیاید و چاره و علاج، شناخته شده باشد.

ما با این خطرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی روبرو شدیم و آنها را شناختیم و تجربه کردیم و بخواست خدا و رهبری امام خمینی و بصیرت و فداکاری مردممان از بیشتر آنها به سلامت گذشتیم، البته توطئه‌ها از سوی دشمن و عزم راسخ از سوی ملت، همچنان ادامه دارد.

من این آسیب‌ها را به دو قسم تقسیم میکنم: آنها که در درون خود ما ریشه دارد و از ضعفهای ما بر می‌خیزد، و آنها که دشمن بطور مستقیم آن را برنامه‌ریزی میکند.

دسته‌ی اوّل، چیزهائی از این قبیل است: احساس و گمان اینکه با سقوط حاکم وابسته و فاسد و دیکتاتور، کار تمام شد. راحتیِ خیال ناشی از احساس پیروزی و به دنبال آن کم شدن انگیزه‌ها و سست شدن عزمها، نخستین خطر است، و آنگاه این خطر مهیب تر میشود که اشخاص در صدد تصاحب سهم ویژه در غنیمتِ به دست آمده باشند..

ماجرای جنگ اُحُد و غنیمت‌جوئی مدافعان تنگه که به شکست مسلمانان انجامید و مجاهدان از سوی خداوند متعال سرزنش شدند، یک نمونه‌ی نمادین است که هرگز نباید از یادها برود. مرعوب شدن از هیمنه ظاهری مستکبران و احساس ترس از امریکا و دیگر قدرتهای مداخله‌گر آسیب دیگری از این دسته است که باید از آن پرهیز کرد. نخبگان شجاع و جوانها باید این ترس را از دلها بیرون کنند. اعتماد به دشمن و در دام لبخندها و وعده‌ها و حمایتهای آنها افتادن نیز آسیب بزرگ دیگری است که بطور ویژه باید پیشروان و نخبگان از آن بر حذر باشند. دشمن را با علاماتش در هر لباس باید شناخت و از کید او که در مواردی در پس ظاهر دوستی و کمک پنهان میشود باید ملت و انقلاب را مصون ساخت. روی دیگر این صفحه، مغرور شدن و دشمن را غافل دانستن است ؛ شجاعت را باید با تدبیر و حزم در هم آمیخت. در مقابل شیطان جنّ و انس، باید همه‌ی ذخائر الهی در وجود خود را به کار گرفت. ایجاد اختلاف و به جان هم انداختن انقلابیون و رخنه در پشت جبهه‌ی مبارزه، نیز آفتی بزرگ است که با همه‌ی توان باید از آن گریخت.

آسیبهای دسته‌ی دوم را غالباً ملتهای این منطقه در حوادث گوناگون آزموده‌اند، نخستین آسیب، بر روی کار آوردن عناصری است که خود را متعهد به امریکا و غرب میدانند. غرب می کوشد پس‌از سقوط ناگزیر مهره‌های وابسته، اصل سیستم و اهرمهای اصلی قدرت را حفظ کند و سر دیگری را بر روی این بدن بگذارد و بدین وسیله سلطه‌ی خود را همچنان ادامه دهد. این به معنای هدر رفتن همه‌ی تلاشها و مجاهدتها است. در این مرحله اگر با مقاومت و هشیاری مردم مواجه شوند، می‌کوشند تا بدیل‌های انحرافی گوناگون در پیش پای نهضت و مردم بگذارند. این سناریو میتواند پیشنهاد مدلهای حکومتی و قانون اساسی‌هائی باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام وابستگی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی به غرب بیفکند، و میتواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت مالی و رسانه‌ئی یک جریانِ نامطمئن و به حاشیه راندن جریانهای اصیل در انقلاب باشد. این نیز به معنی بازگرداندن سلطه‌ی غرب و تثبیت مدلهای نوسازی شده‌ی غربی و بیگانه از اصول انقلاب و در نهایت، تسلط بر اوضاع است.

اگر این تاکتیک نیز به نتیجه نرسد، تجربه‌ها به ما میگوید که آنگاه روشهائی چون هرج و مرج و تروریزم و جنگ

داخلی میان پیروان ادیان یا قومیتها یا قبائل و احزاب و یا حتی میان ملتها و دولتهای همسایه، و همراه با آن، حصر اقتصادی و تحریم و بلوکه کردن سرمایه‌های ملی و نیز هجوم همه جانبه‌ی تبلیغاتی و رسانه‌ئی را در پیش خواهند گرفت. مقصود آنان از این همه، خسته و نومید کردن مردم و مردّد و پشیمان کردن مبارزان است. که میدانند در این صورت، شکست دادن انقلاب، ممکن و آسان خواهد شد. ترور نخبگان صالح و مؤثر یا بدنام کردن برخی از آنان و از سوئی خریدن کسانی از سست عنصران، نیز در شمار روشهای متداول قدرتهای غربی و مدعیان تمدن و اخلاق است.

در ایران اسلامی، اسناد لانه‌ی جاسوسی که به دست انقلاب افتاد، نشان داد که همه‌ی این توطئه‌ها، بدقت از سوی رژیم ایالات متحده‌ی امریکا برای ملت ایران برنامه‌ریزی شده بود. برای آنان باز گرداندن ارتجاع و استبداد و حاکمیت وابسته در کشورهای انقلابی، اصلی است که همه‌ی این روشهای کثیف را تجویز میکند.

۳ ـ در آخرین بخش سخنانم، توصیه‌هائی را بر اساس تجربه‌ی عینی خودمان در ایران و آنچه از مطالعه‌ی دقیق دیگر کشورها به دست آمده است، در معرض دید و تشخیص و انتخاب شما میگذارم. شکّ نیست که شرائط ملتها و کشورها در همه چیز یکسان نیست ولی بیّناتی وجود دارد که میتواند برای همه مفید باشد.

اولین سخن آن است که با توکل به خداوند و اعتماد و حسن ظن به وعده‌های مؤکد نصرت الهی در قرآن و بکارگیری خرد و عزم و شجاعت، میتوان بر همه‌ی این موانع فائق آمد و پیروزمندانه از آنها عبور کرد. البته کاری که شما بدان همت گماشته‌اید بسی بزرگ و سرنوشت‌ساز است، پس باید زحمات بزرگ را هم بخاطر آن تحمل کرد. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده است: فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْصِمْ جَبَّارِي دَهْرٍ قَطُّ إِلا بَعْدَ تَمْهِيلٍ وَ رَخَاءٍ وَ لَمْ يَجْبُرْ عَظْمَ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ إِلا بَعْدَ أَزْلٍ وَ بَلاءٍ وَ فِي دُونِ مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ عَتْبٍ وَ مَا اسْتَدْبَرْتُمْ مِنْ خَطْبٍ مُعْتَبَرٍ..

توصیه‌ی مهم آن است که خود را همواره در میدان بدانید: فاذا فَرغتَ فَانصَب، همیشه خداوند را حاضر و کمک‌کار خود بدانید: و الی ربک فارغب، و پیروزیها ما را دچار غرور و غفلت نکند: اذا جاء نصرالله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجاً فسبح بحمد ربک واستغفره انه کان تواباً اینها پشتوانه‌های حقیقی یک ملت مؤمن است.

توصیه‌ی دیگر، بازخوانی دائمی اصول انقلاب است. شعارها و اصول باید تنقیح و با مبانی و محکمات اسلام تطبیق داده شوند. استقلال، آزادی، عدالتخواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیضهای قومی و نژادی و مذهبی، نفی صریح صهیونیزم. اینها ارکان نهضت‌های امروز کشورهای اسلامی است و همه برگرفته از اسلام و قرآن است.

اصولتان را روی کاغذ بنویسید ؛ اصالتهای خود را با حساسیت بالا حفظ کنید ؛ نگذارید اصول نظام آینده‌ی شما را دشمنان شما بنویسند ؛ نگذارید اصول اسلامی در پای منافع زودگذر قربانی شود. انحراف در انقلابها از انحراف در شعارها و هدفها، آغاز میشود. هرگز به امریکا و ناتو و به رژیمهای جنایتکاری چون انگلیس و فرانسه و ایتالیا که زمانی دراز سرزمین شما را میان خود تقسیم و غارت کردند اعتماد نکنید ؛ به آنها سوء ظن داشته باشید و لبخند آنها را باور نکنید ؛ پشت این لبخندها و وعده‌ها، توطئه و خیانت نهفته است. راه‌حل خود را خود با بهره‌گیری از سرچشمه‌ی فیاض اسلام به دست آورید و نسخه‌های بیگانه را به خودشان پس دهید.

توصیه‌ی مهم دیگر پرهیز از اختلافات مذهبی، قومی، نژادی، قبیله‌ئی و مرزی است. تفاوتها را به رسمیت بشناسید و آن را مدیریت کنید. تفاهم میان مذاهب اسلامی کلید نجات است. آنها که آتش تفرقه‌ی مذهبی را با تکفیر این و آن دامن میزنند، اگر خودشان هم ندانند مزدور و عمله‌ی شیطانند.

نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی خود را بر شما تحمیل کند.

اردوگاه شرق چپ فرو ریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست.

گذشت زمان به زیان آنها و به سود جریان اسلام است.

هدف نهائی را باید امت واحده‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه‌ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد.
آزادی فلسطین از چنگال درنده‌ی صهیونیستها نیز هدفی بزرگ است. کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای غربی پس از هشتاد سال از چنگال شوروی سابق نجات یافتند ؛ چرا فلسطین مظلوم نتواند پس از هفتاد سال از اسارت صهیونیستهای ظالم نجات یابد؟
نسل امروز کشورهای اسلامی این ظرفیت را دارد که به چنین کارهای بزرگی بپردازد. نسل جوان امروز مایه‌ی افتخار نسلهای پیشین خویش است. بقول شاعر عرب:
قالوا: ابوالصَّخر مِن شَیبان قُلتُ لَهُم کلا لَعمَری ولکن منهُ شیبانٌ
وَ کم اَبٍ قد عَلا بِابنٍ ذُری شَرَفٍ کما عَلا برسول الله عدنانٌ
به نسل جوان خود اعتماد کنید، روح اعتماد به نفس را در آنان زنده کنید، و از تجربه‌های مجرّبان و پیران، آنها را بهره‌مند سازید.
دو نکته‌ی مهم در اینجا وجود دارد:
اوّل آنکه ملتهای انقلاب کرده و آزاد شده یکی از مهمترین خواسته‌هایشان حضور و نقش قاطع مردم و آرائشان در مدیریت کشور است، و چون مؤمن به اسلامند، پس مطلوب آنان « نظام مردمسالاری اسلامی» است، یعنی حاکمان با رأی مردم برگزیده میشوند و ارزشها و اصول حاکم بر جامعه، اصول مبتنی بر معرفت و شریعت اسلامی است. این خود میتواند در کشورهای گوناگون به اقتضای شرائط، با شیوه‌ها و شکلهای گوناگون تحقق یابد ولی با حساسیت کامل باید مراقب بود که این با دموکراسی لیبرال غربی اشتباه نشود. دموکراسی لائیک و در مواردی ضد مذهب غربی با مردمسالاری اسلامی که متعهد به ارزشها و خطوط اصلی اسلامی در نظام کشور است، هیچ نسبتی ندارد.
نکته‌ی دوم آن است که اسلامگرائی نباید با تحجّر و قشری‌گری و تعصّبهای جاهلانه و افراطی مشتبه گردد. مرز میان این دو نیز باید پر رنگ باشد. افراطهای مذهبی که غالباً با خشونت کور همراه است، عامل عقب‌ماندگی و دور شدن از هدفهای والای انقلاب است، و این به نوبه‌ی خود مایه‌ی جدا شدن مردم و در نتیجه شکست انقلاب خواهد بود.
خلاصه کنم: سخن از بیداری اسلامی، سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست ؛ سخن از یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه‌ی دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است. با اینحال، صحنه همچنان سیّال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است. آیاتی که در طلیعه‌ی سخن تلاوت شد دستورالعمل کامل و کارسازی است ؛ برای همیشه و بویژه در این برهه‌ی حساس و سرنوشت‌ساز. خطاب به پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است، ولی در واقع ما همگی بدان مخاطب و مکلّفیم. در این آیات، تقوا با همان معنی بلند و گسترده‌اش، اوّلین توصیه است، و سپس سرپیچیدن از فرمانبری کافران و منافقان، و پیروی از وحی الهی، و سرانجام توکل و اعتماد به خداوند ..
بار دیگر این آیات را مرور کنیم: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یا أَیُّهَا النَّبِیُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لا تُطِعِ الْکافِرِینَ وَ الْمُنافِقِینَ إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلِیماً حَکِیماً (۱) وَ اتَّبِعْ ما یُوحی إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ إِنَّ اللَّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیراً (۲) وَ تَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَ کفی بِاللَّهِ وَکِیلاً.
والسلام علیکم و رحمةالله